

## حرکت خیالی در زبان فارسی: برخی ویژگی‌ها و محدودیت‌ها

\* حدائق رضائی

\*\* معصومه دیان‌تی

### چکیده

حرکت خیالی یکی از سازوکارهای جالب توجه در زبان است که از طریق آن وضعیت هستاری ایستا به کمک حرکت توصیف می‌شود و علی‌رغم آن که جمله، فعلی حرکتی را دربردارد، حرکت واقعی را منتقل نمی‌کند. پژوهش حاضر قصد دارد در وهله اول به تمایز حرکت استعاری و حرکت خیالی در زبان فارسی بپردازد و سپس برخی ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی را در زبان فارسی توصیف نماید. در این راستا، با جستجو در موتور جستجوگر گوگل و مراجعه به تارنماهای مربوط، ۹۸ جمله حرکت خیالی در زبان فارسی گردآوری و تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد حرکت استعاری و حرکت خیالی در دو بُعد با یکدیگر تفاوت دارند؛ اول آن که، برخلاف جمله‌های حرکت خیالی، جمله‌های حرکت استعاری بازنمود زبانی استعاره‌های مفهومی هستند؛ دوم آن که، جمله‌های حرکت خیالی نمونه‌های تکی و منحصر به فرد هستند، در حالی که هر یک از جمله‌های استعاری مربوط به حرکت، تنها یکی از بازنمودهای یک استعاره مفهومی زیربنایی هستند. بررسی ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی نیز نشان داد که در زبان فارسی شمار، جهت حرکت و کشگر بودن هستار از عوامل تأثیرگذاری هستند که در ساخت حرکت خیالی نقش دارند. همچنین به نظر می‌رسد که این قابلیت وجود دارد که چند حرکت خیالی در جهات مختلف با یکدیگر ترکیب و یک هستار ایستا و واحد را توصیف کنند. افزون بر آن مشخص شد در ساخت جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی، همچون زبان انگلیسی امکان کاربرد عبارت‌های بیانگر طول زمان و مسافت وجود دارد. اما ظاهراً برخلاف زبان انگلیسی، محدودیتی در رابطه با زمان‌دستوری و نمود وجود ندارد.

### کلیدواژه‌ها: حرکت خیالی، زبان فارسی، فعل حرکتی، حرکت

## ۱. مقدمه

حرکت از مفاهیم مرتبط با مفهوم فضا در حوزه شناخت و ادراک بشر است (ایوانز، ۲۰۱۰) و یکی از بازنمودهای حرکت در زبان، کاربرد فعل‌های حرکتی<sup>۱</sup> است. فعل‌های حرکتی، فعل‌هایی هستند که حرکت را در خود نشان می‌دهند (تسایی و هسیه، ۲۰۱۳). فعل‌های حرکتی علاوه بر آن که می‌توانند به صورت تحت‌اللفظی<sup>۲</sup> به کار روند؛ یعنی تغییر مکان یک موجودیت<sup>۳</sup> فیزیکی را از نقطه‌ای به نقطه دیگر در فضا توصیف کنند، گاه ممکن است کاربردی مجازی<sup>۴</sup> (غیرتحت‌اللفظی) در زبان داشته باشند (متلاک، ۲۰۰۴ الف)؛ یعنی به تغییر مکان اشاره نکنند و درحالی که، فعل حرکتی در جمله وجود دارد، حرکت واقعی (تغییر مکان) صورت نگرفته باشد. هنگامی که افعال حرکتی به شکل مجازی به کار می‌روند، می‌توانند حرکتی استعاری<sup>۵</sup> یا حرکتی خیالی<sup>۶</sup> را توصیف نمایند. در جمله‌های حرکت خیالی، شاهد نوعی ناهماهنگی میان درک مفهوم پرور (انسان) و بازنمود زبانی هستیم که باعث می‌شود صحنه یا موجودیتی که توسط مفهوم پرور، ایستا درک شده، در قالب صورتی پویا در زبان رمزگذاری شود (تالمی، ۲۰۰۰: ۱۰۴). در این راستا می‌توان نمونه (۱) را در بیان نمود:

(۱) راهی که به روستا می‌رود ... (تارنمای باشگاه خبرنگاران جوان)

چنان که مشاهده می‌شود در این جمله علی‌رغم آگاهی مفهوم پرور از ایستا بودن عنصر «راه»، وی برای بازنمایی زبانی این پدیده ایستا از یک فعلی حرکتی استفاده کرده و آن را به شکلی پویا رمزگذاری نموده است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود ضمن اشاره به نظرات سایر پژوهشگران درباره تفاوت میان حرکت خیالی و حرکت استعاری، امکان وجود تفاوت‌های مهم دیگر میان این دو نوع حرکت مجازی طرح شود و سپس ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی در زبان فارسی مورد مطالعه قرار گیرد.

## ۲. حرکت خیالی

جمله‌های حرکت خیالی، جمله‌هایی هستند که صورت‌های زبانی پویا (فعل‌های حرکتی، حروف اضافه جهت‌ی یا ترکیب هردو) را برای توصیف هستار یا صحنه فیزیکی ایستایی به کار می‌گیرند (ما، ۲۰۱۶). حرکت خیالی به عنوان پدیده‌ای پُررخداد در زبان، نخستین بار از سوی تالمی (۱۹۸۳) به شکلی دقیق مورد مطالعه قرار گرفت و علی‌رغم آنکه مدت زیادی نیست که وجود این پدیده در زبان مطرح شده، عنوان‌های مختلفی برای اشاره به آن به کار رفته است؛ به طوری که، در مقابل مفهوم حرکت خیالی تالمی (۱۹۸۳؛ ۱۹۹۶؛ ۲۰۰۰)، لانگاکر (۱۹۸۶) اصطلاح حرکت انتزاعی<sup>۷</sup> را به کار می‌برد، متسوموتو (۱۹۹۶) و جمینز مارتینز-لوزا (۲۰۰۷) از اصطلاح حرکت ذهنی<sup>۸</sup> استفاده می‌کنند و لانگاکر (۱۹۹۹) آن را حرکت مجازی<sup>۹</sup> می‌نامد. علی‌رغم این تنوع در نام‌گذاری، در توصیف این پدیده، شاهد تعریف نسبتاً یکسانی بین

<sup>1</sup> motion verb

<sup>2</sup> literally

<sup>3</sup> entity

<sup>4</sup> non-literally

<sup>5</sup> metaphorical motion

<sup>6</sup> fictive motion

<sup>7</sup> abstract motion

<sup>8</sup> subjective motion

<sup>9</sup> virtual motion

پژوهشگران هستیم و حرکت خیالی سازوکاری تعریف می‌شود که از طریق آن، یک وضعیت ایستا و ثابت به کمک حرکت توصیف می‌شود. بر مبنای این سازوکار شناختی در مفهوم‌سازی زبانی، وضعیت ایستای جاده‌ای که در کنار دریا واقع شده، ممکن است با جمله زیر در زبان فارسی توصیف گردد:

(۲) آخه بعد از نور جاده از کنار دریا رد می‌شد. (وبگاه حافظ راجی)

در جمله‌ای نظیر جمله (۲)، به نوعی، کاربرد مجازی فعل حرکتی رد شدن مشاهده می‌شود؛ زیرا این جمله در حالی که فعلی حرکتی را دربردارد، هیچ‌گونه حرکت واقعی‌ای را بیان نمی‌کند. نکته درخور توجه در جمله‌های حرکت خیالی آن است که علی‌رغم فقدان حرکت واقعی، تمامی عناصر چنین ساختی در آنها یافت می‌شود؛ یعنی در ساخت حرکت خیالی نیز همچون حرکت واقعی، یک گروه اسمی به عنوان فاعل، فعل حرکتی و احتمالاً یک گروه حرف اضافه‌ای یا یک مفعول مستقیم وجود دارد. در این جملات، گروه اسمی فاعل، گذرنده<sup>۱</sup> را بازنمایی می‌کند، فعل حرکتی، تغییر مکان را به تصویر می‌کشد و گروه حرف اضافه‌ای یا مفعول مستقیم نیز با یک یا چند مرزما<sup>۲</sup> متناظر است (متلاک ۲۰۰۴ الف). در این راستا می‌توان جمله‌های زیر را مقایسه نمود:

(۳) مینا به جنگل می‌رود.

(۴) راستش این خیابون می‌ره خارج شهر. (وبگاه نفرین نامه)

در جمله (۳)، مینا گذرنده را بازنمایی می‌کند؛ می‌رود، فعل حرکتی است و به جنگل گروه حرف اضافه‌ای است که با مرزما منطبق است. در این جمله یک حرکت واقعی قابل مشاهده است؛ زیرا مینا واقعاً مکانش را تغییر داده است. این در حالی است که در جمله (۴) علی‌رغم وجود تمام عناصر ساخت رخداد حرکتی، یعنی گذرنده (خیابون)، فعل حرکتی (می‌ره) و مرزما (خارج شهر)، حرکت واقعی وجود ندارد. بنابراین، تنها تفاوت این است که «حرکت خیالی، حرکت را به عنصری تحمیل می‌کند که یک صحنه ایستاست» (ریچاردسن و متلاک، ۲۰۰۷).

چنان‌که مشاهده می‌شود در شکل‌گیری یا مفهوم‌پروری ساخت حرکت خیالی، مفهوم‌پرور اطلاعاتی درباره‌ی این که گذرنده کجا قرار گرفته است نیز بیان می‌کند؛ یعنی در این مفهوم‌سازی، گذرنده در ارتباط با یک یا چند مرزما قرار می‌گیرد (متسوموتو، ۱۹۹۶).

یکی از مفاهیم مرتبط با ساخت حرکت خیالی در حوزه علوم شناختی، مفهوم شبیه‌سازی ذهنی است. شبیه‌سازی ذهنی نظریه‌ای در ارتباط با بازنمایی دانش در ذهن است. به‌زعم بارسالو (۱۹۹۹)، شبیه‌سازی ذهنی یک نظام بازنمایی مشترک است که زیربنای ادراک و شناخت بشر قرار دارد. در واقع، فرایند شناختی شبیه‌سازی ذهنی، پردازش‌های شناختی، بازنمودهای ذهنی و مفاهیمی را که در حافظه ذخیره شده‌اند، به کار می‌گیرد و اگر تجربه خاصی در دسترس باشد، ذهن را از تجربه مجدد آن پدیده‌ی خاص می‌رهاند. در نتیجه، شبیه‌سازی ذهنی با انجام حالت‌های ادراکی و حرکتی است که در طی تجربه‌ی جهان، جسم و ذهن حاصل می‌شوند (بارسالو، ۲۰۰۹). شبیه‌سازی ذهنی یک فرایند روزمره است و انسان‌ها همواره هر نوع عملی را شبیه‌سازی می‌کنند؛ انسان می‌تواند خود و دیگران را در حال دویدن یا راندن خودرو تصور کند؛

<sup>1</sup> trajectory

<sup>2</sup> landmark

یا حتی کارهایی را که انجام نداده و هرگز شاهد آنها نبوده، تصور کند. حرکت خیالی از آن جهت با فرایند شبیه‌سازی ذهنی در پیوند است که درک ساخت‌های حرکت خیالی نیز مستلزم شبیه‌سازی ذهنی حرکت است؛ به بیان روشن، پردازش ساخت حرکت خیالی، تاحدی شبیه‌سازی ذهنی حرکت واقعی را به کار می‌گیرد و در نتیجه، برخی ویژگی‌های پردازش حرکت واقعی، در پردازش حرکت خیالی نیز ظاهر می‌شوند (لانگاکر، ۱۹۸۷؛ متسوموتو، ۱۹۹۶).

### ۳. پیشینه پژوهش

مطالعات بسیاری در حوزه روانشناسی زبان، به بررسی چگونگی پردازش جمله‌های حرکت خیالی پرداخته‌اند و با انجام آزمایش‌هایی، تأثیر شبیه‌سازی ذهنی را در درک این جملات سنجیده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به متلاک (۲۰۰۴ب)، متلاک (۲۰۰۶)، متلاک، رامسکار و برودتسکی (۲۰۰۵)، متلاک و ریچاردسن (۲۰۰۴)، ریچاردسن و متلاک (۲۰۰۷) و متلاک (۲۰۱۰) اشاره نمود.

همچون روانشناسان زبان، پدیده حرکت خیالی برای زبان‌شناسان شناختی نیز یکی از پدیده‌های جذاب و سؤال‌برانگیز بوده است. برای نمونه تالمی (۲۰۰۰: ۹۹-۱۷۵) برای تشریح حرکت خیالی در زبان، الگوی «تخیل کلی»<sup>۱</sup> را مطرح می‌نماید. براساس این الگو، در هر جمله حرکت خیالی، تفاوتی بین دو بازنمود شناختی مختلف از یک هستار واحد وجود دارد که یکی از این بازنمودها عینی‌تر از دیگری است. تالمی بازنمود عینی‌تر را واقعی<sup>۲</sup> و بازنمود کمتر عینی را فرضی<sup>۳</sup> می‌داند. وی ادعا می‌کند بازنمود کمتر عینی یا فرضی، حرکت خیالی هستارهایی است که ما آن‌ها را ساکن و ایستا می‌دانیم. تالمی همچنین به بررسی انواع حرکت خیالی می‌پردازد و شش نوع حرکت خیالی اصلی را از یکدیگر متمایز می‌سازد که عبارت‌اند از: ۱) پرتویی؛ ۲) مسیرهای الگو؛ ۳) حرکت قالبی؛ ۴) مسیرهای ورودی؛ ۵) مسیرهای دسترسی؛ ۶) مسیرهای گسترشی<sup>۴</sup> (تالمی، ۲۰۰۰). به باور تالمی (۲۰۰۰: ۱۰۳) مسیرهای گسترشی آشناترین آشناترین نوع حرکت خیالی در ادبیات این ساخت زبانی هستند. منظور از حرکت خیالی از نوع مسیر گسترشی، «ترسیم شکل، جهت یا مکان یک عنصر گسترش یافته در مکان، در قالب مسیری فراتر از مرزهای آن عنصر است» (تالمی، ۲۰۰۰: ۱۳۸). در این نوع حرکت خیالی آنچه واقعی است، وجود شیء ایستا و فقدان هرگونه هستاری است که از مسیر ترسیم شده عبور کند. در مقابل، آنچه خیالی است، بازنمایی هستاری است که هم‌عرض یا فراتر از ترکیب بندی آن شیء در حال حرکت است. تالمی برای مسیرهای گسترشی سه نوع حرکت را شرح می‌دهد؛ این حرکت‌ها عبارتند از:

الف) مسیر خیالی خطی است.

(۵) The fence goes/zigzags/descends from the plateau to the valley (تالمی، ۲۰۰۰: ۱۳۸).

ب) مسیر خیالی به شکل شعاعی در یک سطح دوبعدی گسترش می‌یابد.

(۶) The field spreads out in all directions from the granary (تالمی، ۲۰۰۰: ۱۳۸).

<sup>1</sup> general fictivity

<sup>2</sup> factive

<sup>3</sup> fictive

<sup>4</sup> emanation

<sup>5</sup> pattern paths

<sup>6</sup> frame-relative motion

<sup>7</sup> advent paths

<sup>8</sup> access paths

<sup>9</sup> coextension paths

ج) مسیر خیالی، حرکت کناری یک خط است (در جمله زیر یک خط شمال-جنوب که به سمت شرق پیش می‌رود) که با یک تغییر خیالی ثانویه (در جمله زیر قرمزتر شدن) نیز همراه است.

(۷) The soil reddens toward the east (۱۳۸:۲۰۰۰، تالمی، ۹).

متلاک (۲۰۰۴الف) به بررسی رفتار زبانی و معناشناختی ساخت‌های حرکت خیالی پرداخته است و این مسئله را بررسی می‌کند که آیا شبیه‌سازی حرکت، انگیزه‌ای برای استفاده و درک ساخت‌های حرکت خیالی در زبان ایجاد می‌کند یا خیر. متلاک بر مبنای رفتار نظام‌مند ساخت‌های حرکت خیالی و نیز مطالعات روانشناختی و بررسی‌های تجربی نتیجه می‌گیرد که انگیزه کاربرد و درک ساخت‌های حرکت خیالی از یک سو، حاصل توانایی شناختی ما برای شبیه‌سازی حرکت در طول مسیر است و از سوی دیگر، ناشی از انگیزه طبیعی ما برای صحبت در مورد مکان اشیاء و مقصد خودمان در جهان است. علاوه بر این، متلاک ادعا می‌کند نیاز ما به حرکت در جهان، انگیزه کاربرد جملات حرکت خیالی است. متلاک (۲۰۰۴الف) همچنین به رده‌بندی ساخت‌های حرکت خیالی می‌پردازد و آنها را در دو دسته قرار می‌دهد؛ دسته اول ساخت‌هایی که در آنها معمولاً مسیر با حرکت همراه است و می‌تواند حاوی فعل‌های شیوه‌نما باشند (جمله ۸) و دسته دوم ساخت‌هایی که در آنها گذرنده با حرکت همراه نیست و فعل‌های شیوه‌نما را مجاز نمی‌دانند (جمله ۹):

(۸) The highway crawls through the city (۲۳۱:۲۰۰۴الف، متلاک، ۹).

(۹) The table goes from the kitchen wall to the sliding glass door (۲۲۷:۲۰۰۴الف، متلاک، ۹).

جمینز مارتینز-لوزا (۲۰۰۷) نیز در مطالعه خود ضمن آن‌که ادعا می‌کند استعاره حرکت در ترکیب با مجاز و طرحواره‌های تصویری زیربنای شکل‌گیری معنایی رخداد‌های حرکت خیالی هستند، تلاش می‌کند رده‌بندی‌ای را که متلاک (۲۰۰۴ب) برای رخداد‌های حرکت خیالی ارائه داده است، مورد بازبینی قرار دهد؛ زیرا او معتقد است رده‌بندی‌های موجود از دقت لازم برخوردار نیستند و نمی‌توانند تحقق زبانی این رخدادها را به درستی تبیین کنند. به‌باور جمینز مارتینز-لوزا (۲۰۰۷) تفاوت فعل‌های حرکتی ساده و فعل‌های حرکتی شیوه‌نما عامل مؤثری نیست و هر دو نوع این فعل‌ها قابلیت آن را دارند که در هر دو ساخت مطرح‌شده از سوی متلاک (۲۰۰۴الف) به کار روند. وی همچنین اشاره می‌کند که همراه بودن گذرنده با حرکت نیز عامل تعیین‌کننده‌ای نیست که بتوان بر مبنای آن به رده‌بندی ساخت‌های حرکت خیالی پرداخت؛ در نهایت، جمینز مارتینز-لوزا (۲۰۰۷) نتیجه می‌گیرد که می‌توان بر مبنای تعداد موضوعاتی که فعل می‌گیرد، به رده‌بندی ساخت‌های حرکت خیالی پرداخت و ساخت‌های حرکت خیالی را در دو طبقه جای داد؛ طبقه اول ساخت‌هایی که در آنها فعل علاوه بر گذرنده، تنها یک موضوع می‌گیرد و این موضوع متناظر با مرزنامست (جمله ۱۰) و طبقه دوم شامل ساخت‌هایی است که در آنها فعل علاوه بر گذرنده، دو یا چند موضوع می‌گیرد (جمله ۱۱):

(۱۰) A trail goes through the desert (۲۲۳:۲۰۰۴الف، متلاک، ۹).

(۱۱) The fence goes from the plateau to the valley (۹۹:۲۰۰۰، تالمی، ۹).

علاوه بر مطالعات فوق، برخی مطالعات به بررسی تطبیقی حرکت خیالی در زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها پرداخته‌اند. متسوموتو (۱۹۹۶) به بررسی تطبیقی جمله‌های حرکت خیالی در زبان ژاپنی و انگلیسی پرداخته و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان را بیان کرده است. وی نتیجه می‌گیرد دو زبان در ابعادی از حرکت که بایستی در جمله بیان شوند (برخی

ویژگی‌های مسیر) و آن ابعادی که نباید بیان شوند (اطلاعات شیوه حرکت غیرمرتبط با مسیر) شباهت دارند. اما جمله‌های حرکت خیالی دو زبان در برخی ویژگی‌های دستوری و واژگانی تفاوت دارند؛ برای مثال افعال حرکتی انگلیسی در برخی موارد می‌توانند به‌عنوان فعل ایستا به‌کار روند، اما فعل‌های حرکتی ژاپنی چنین قابلیت‌هایی ندارند. در این راستا، متسوموتو (۱۹۹۶) به جمله (۱۲) از زبان انگلیسی اشاره و ادعا می‌کند این جمله وضعیت کنونی جاده را توصیف می‌کند، یعنی فعل حرکتی ویژگی‌های افعال ایستا را دارد:

(۱۲) The road runs through the center of the city.

متسوموتو (۱۹۹۶) ضمن تمایز میان مسیرهای قابل عبور<sup>۱</sup>، یعنی مسیرهایی که می‌توانند به‌طور طبیعی محل رفت و آمد انسان‌ها باشند (نظیر جاده، خیابان و غیره) و مسیرهای غیرقابل عبور<sup>۲</sup> برای انسان (نظیر دیوار، حصار و غیره) در ساخت‌های حرکت خیالی، ادعا می‌کند فعل‌های حرکتی زبان ژاپنی برخلاف زبان انگلیسی، برای مسیرهای غیرقابل عبور محدودیت کاربرد دارند. روجو و والنزوتلا (۲۰۰۳) نیز با تمرکز بر ترجمه، جمله‌های حرکت خیالی و واقعی را در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی مقایسه نموده و نشان داده‌اند که در ترجمه جمله‌های حرکت خیالی در مقایسه با ترجمه جمله‌های حرکت واقعی از انگلیسی به اسپانیایی، اطلاعات کاهش می‌یابند؛ اما در ترجمه جمله‌های حرکت واقعی مترجمان بیشتر به متن اصلی پایبند و وفادار هستند. در مطالعه دیگری، روجو و والنزوتلا (۲۰۰۹) فقط بر روی جمله‌های حرکت خیالی در اسپانیایی تمرکز کرده‌اند. آزمایشات آنها نشان داده است که عناصر غیرقابل عبور و همچنین فعل‌های شیوه‌نمایی که شیوه بیان‌شده در آنها با مسیر حرکت مرتبط نیست، توسط گویشوران اسپانیایی زبان سخت‌تر پردازش می‌شوند. در مطالعه‌ای پیکره‌بنیاد نیز تارما (۲۰۱۳) جمله‌های حرکت خیالی و حرکت واقعی زبان استوانی را با تمرکز بر شیوه رمزگذاری فضا در این جمله‌ها مقایسه نموده است. نتایج مطالعه وی حاکی از آن است که از یک سو، اگرچه حرکت واقعی و حرکت خیالی، هر دو جمله‌های بدون مرزهای مشخص را مجاز می‌دانند، این تمایل در جمله‌های حرکت واقعی بیشتر است؛ از سوی دیگر، وجود یک عبارت مکان‌نما اگرچه به نوع ساخت (یعنی ساخت حرکت خیالی یا حرکت واقعی) وابسته است، اما بیشتر نوع فعل جمله آن را تعیین می‌کند. استوسیک و ساردا (۲۰۰۹) نیز بر مبنای شیوه‌های بیان وضعیت‌های ایستا در دو زبان صربستانی و فرانسه، حرکت خیالی را به‌عنوان یکی از شیوه‌های توصیف وضعیت ایستا در این دو زبان معرفی نموده‌اند و ادعا می‌کنند برخلاف زبان صربستانی، در زبان فرانسه حرکت خیالی نقش مهمی دارد. تاکاهاشی (۲۰۰۵) نیز جمله‌های حرکت خیالی را در زبان‌های تایلندی و انگلیسی بررسی و الگوهای شناختی آرمانی شده<sup>۳</sup> گویشوران را در سه طبقه از انواع حرکت‌های خیالی تحلیل نموده است. او معتقد است هر چند جملات حرکت خیالی کاربرد یکسانی در همه زبان‌ها دارند، اما الگوی شناختی آرمانی شده در زیربنای جملات حرکت خیالی به دلیل فرهنگ‌های مختلف در جوامع، بایکدیگر تفاوت دارد. ما (۲۰۱۶) نیز در مطالعه خود بر روی جمله‌های حرکت خیالی در زبان چینی، نخست این جمله‌ها را بر مبنای طبقه‌بندی تالمی (۲۰۰۰) دسته‌بندی نموده و سپس آنها را از منظر نظریه رخداد حرکت<sup>۴</sup> و نظریه استعاره مفهومی<sup>۵</sup> بررسی کرده است.

<sup>1</sup> travelable path

<sup>2</sup> non-travelable path

<sup>3</sup> Idealized Cognitive Model

<sup>4</sup> motion event theory

<sup>5</sup> conceptual metaphor theory

در زبان فارسی نیز ساخت‌های حرکت خیالی قابل‌مشاهده است و برخی پژوهشگران به توصیف آن پرداخته‌اند. مسگرخویی (۱۳۹۳) ساخت حرکت خیالی زبان فارسی را بر مبنای معیارهای مطرح‌شده از سوی متلاک (۲۰۰۴الف) بررسی نموده است. وی نتیجه می‌گیرد ساخت جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی را محدودیت‌هایی معناشناختی و سبکی تعیین می‌کند. نخست این که جمله حرکت خیالی در زبان فارسی، غالباً برای گذرنده‌های دارای طول افقی قابل‌کاربرد است؛ استدلال وی برای این ادعا این است که در پیکره ۴۲ جمله‌ای مورد بررسی‌اش، برای گذرنده‌هایی نظیر برج، آبشار و ساختمان هیچ جمله حرکت خیالی نیافته و تنها یک جمله حرکت خیالی (جمله ۱۳) با گذرنده‌ای دارای طول عمودی (یعنی صخره) داشته است:

(۱۳) صخره نزدیکی‌های جاده به هوا بلند شد و یک‌راست رفت توی دره. (مندی‌پور، ۱۳۷۵؛ به نقل از مسگرخویی، ۱۳۹۳)

مسگرخویی (۱۳۹۳) برای بررسی ساخت حرکت خیالی فعل‌های مسیرنما و شیوه‌نما را نیز مدّ نظر قرار داده است و با بیان اینکه در پیکره‌اش فعل‌های شیوه‌نما با محدودیت به مراتب بیشتری به کاررفته‌اند (فقط سه مورد لغزیدن، خزیدن و کشاندن در سه اثر ادبی)، به دومین محدودیت ساخت حرکت خیالی مبنی بر این که جمله‌های حرکت خیالی با فعل‌های شیوه‌نما<sup>۱</sup> بیشتر در سبک ادبی به کار می‌روند تا در گفتار روزمره و عامیانه اشاره می‌کند. مثال (۱۴) که برگرفته از یک اثر ادبی است، یکی از سه نمونه جمله حرکت خیالی مطرح‌شده از سوی وی برای اثبات ادعایش است:

(۱۴) جاده ... مارپیچ‌زنان در طول تپه‌های کم‌شیب می‌خزید. (شولوخوف، ۱۳۷۷؛ به نقل از مسگرخویی، ۱۳۹۳)

در بخش ۵-۲ به محدودیت‌هایی در ساخت حرکت خیالی زبان فارسی اشاره می‌شود که در مطالعه مسگرخویی از نظر دور مانده‌اند. افزون بر آنچه اشاره شد، مسگرخویی همچنین در مطالعه خود به سه تمایز میان حرکت خیالی و حرکت استعاری قائل می‌شود. نخست آن‌که، در حرکت استعاری، هستاری که برای آن فعل حرکتی به کار می‌رود، انتزاعی است در حالی که در جمله‌های حرکت خیالی این هستار (گذرنده) عینی است. دوم آن‌که، فعل در جمله‌های حرکت استعاری لزوماً با قید مکان همراه نیست؛ اما وجود جمله حرکت خیالی بدون ذکر قید مکان غیرممکن است. سوم آن‌که فعل حرکتی در جمله حرکت استعاری نشان‌دهنده نوعی تغییر است؛ در حالی که در حرکت خیالی نوعی مسیر را نشان می‌دهد. در بخش ۵-۱ عمیق‌تر به بررسی این تمایزها خواهیم پرداخت و دیگر تفاوت‌های ممکن را طرح می‌نماییم. مطالعه دیگری که جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی را بررسی نموده، مطالعه پیکره‌بنیاد افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) است که صرفاً روی جملات حرکت خیالی از نوع مسیرهای گسترشی متمرکز شده است. افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) نخست بر مبنای طبقه‌بندی متسوموتو (۱۹۹۶) ادعا می‌کنند برخلاف زبان ژاپنی، در زبان فارسی همه مسیرها (قابل عبور و غیرقابل عبور) می‌توانند در قالب جمله حرکت خیالی به کار روند. در بخش دیگری افراشی و رحمانی جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی و انگلیسی را مقایسه می‌نمایند و نتیجه می‌گیرند که فعل‌های حرکتی در جمله‌های حرکت خیالی انگلیسی متنوع‌تر از جمله‌های حرکت خیالی فارسی هستند؛ زیرا از یک سو، در زبان انگلیسی فعل‌های حرکتی متنوع‌تری برای اشاره به موجودیت‌های ساکن به کار می‌روند و از سوی دیگر، جمله‌های حرکت خیالی در انگلیسی، موقعیت‌های ساکن را به صورت‌های مختلفی توصیف می‌کنند. افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) برای نشان دادن تنوع توصیف موقعیت‌های ساکن در جملات حرکت خیالی انگلیسی، با ارائه جملات (۱۵) تا (۱۸)، سه مورد از ویژگی‌های این

<sup>۱</sup> manner verb

جملات را بیان می‌کنند؛ اول آن که، این جمله‌ها در انگلیسی گاه اطلاعاتی درباره موقعیت مکانی مسیر یا موجودیت ساکن ارائه می‌دهند (جمله ۱۵) و گاهی این موقعیت مکانی را به شکل عبور فرضی مسیر یا موجودیت ساکن بیان می‌کنند (جمله ۱۶)؛ دوم آن که، این جملات گاهی اطلاعاتی درباره حالت ظاهری و نحوه استقرار آن موجودیت ساکن ارائه می‌دهند (جمله ۱۷) و سوم آن که، فعل‌های حرکتی گاه اطلاعاتی درباره چگونگی حرکت متحرک‌هایی که (به طور بالقوه) در یک مسیر حرکت می‌کنند، می‌دهند (جمله ۱۸).

(۱۵) The lake runs between the golf course and the train tracks (متلاک، ۲۰۰۴ الف).

(۱۶) Road 49 crosses the desert (متلاک، ۲۰۰۱).

(۱۷) The path climbed to the top of the hill (روجو و والنزولا، ۲۰۰۳).

(۱۸) The highway jets through the city.

بر مبنای ویژگی‌های فوق، افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) ادعا می‌کنند که برخلاف تنوع کاربرد جملات حرکت خیالی در انگلیسی، این کاربرد در زبان فارسی بسیار محدود است؛ زیرا از یک سو، فقط تعدادی از افعال مسیرنما در ساخت جملات حرکت خیالی به کار می‌روند و از سوی دیگر، در فارسی فقط برای توصیف موقعیت مکانی یا عبور خیالی موجودیت‌های ساکن، از حرکت خیالی استفاده می‌شود. شایان ذکر است علاوه بر مطالعه مسگرخویی (۱۳۹۳) و افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) که صرفاً به بررسی حرکت خیالی در زبان فارسی پرداخته‌اند، مطالعاتی (افراشی، ۱۳۹۵) نیز بازنمود حرکت را در زبان فارسی از نگاه شناختی بررسی نموده‌اند؛ هر چند شرح و معرفی تمامی این مطالعات در این مختصر نمی‌گنجد. هم‌راستا با مطالعات فوق، پژوهش حاضر نیز تلاشی است در جهت بررسی مجدد ساخت حرکت خیالی در زبان فارسی، به منظور بررسی عمیق‌تر تفاوت‌های میان حرکت خیالی و حرکت استعاری از یک سو و تبیین محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی در این زبان، از سوی دیگر. بنابراین، در بخش ۵ سعی می‌کنیم بر ابعاد و محدودیت‌هایی متمرکز شویم که در مطالعه‌های پیشین بر روی جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی از نظر دورمانده است.

#### ۴. روش پژوهش

از آنجایی که فعل حرکتی و گذرنده از عناصر اجتناب‌ناپذیر ساخت حرکت خیالی به شمار می‌روند، با جست‌وجوی فعل‌های حرکتی رفتن، آمدن، گذشتن، رسیدن، و رد شدن و برخی تعدادی واژه مانند جاده، دیوار، دره، کوه، و خیابان که قابلیت گذرنده بودن را دارند، در موتور جست‌جوگر گوگل، تعدادی جمله بیانگر حرکت به دست آمد. با مراجعه به وبگاه یا تارنماهای مربوط، جملات به طور دقیق بررسی شدند و بر مبنای ملاک‌های ارائه شده توسط متلاک (۲۰۰۴ الف) و آنچه در بخش ۵-۱ مقاله مطرح شده است، جمله‌های غیرمرتبط، شامل جمله‌های حرکت استعاری و ساخت‌های حرکت واقعی حذف شدند و جمله‌های حرکت خیالی به دست آمده با روش کیفی مورد تحلیل و توصیف قرار گرفتند. شایان ذکر است در جمله‌های حرکت که شامل ۹۸ جمله گردید موارد بینابینی که نتوان حرکت استعاری و یا حرکت خیالی بودن آنها را تشخیص داد، مشاهده نشد.

#### ۵. حرکت خیالی در زبان فارسی

چنان‌که اشاره شد، زبان فارسی یکی از زبان‌هایی است که در آن، حرکت خیالی قابل مشاهده است. در ادامه، نخست به تمایز بین جمله‌های حرکت خیالی و حرکت استعاری می‌پردازیم و سپس در بخش ۵-۲ به برخی ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی در زبان فارسی می‌پردازیم.



### ۱-۵. حرکت استعاری و حرکت خیالی

در بخش مقدمه اشاره کردیم که فعل‌های حرکتی ممکن است علاوه بر حرکت واقعی، حرکتی استعاری یا حرکتی خیالی را نیز توصیف کنند؛ اکنون این سؤال مطرح است که چه تمایزی بین جمله‌های حرکت خیالی و حرکت استعاری وجود دارد. متلاک (۲۰۰۱) در راستای تمایز حرکت استعاری و حرکت خیالی ادعا می‌کند فعل حرکتی در کاربرد استعاری، بیانگر نوعی تغییر حالت است، اما در حرکت خیالی تغییری وجود ندارد. جمینز مارتینز-لوزا (۲۰۰۷) معتقد است استعاره حرکتی همراه با دیگر الگوهای شناختی آرمانی شده (مجاز<sup>۱</sup> و طرحواره‌های تصویری<sup>۲</sup>) زیربنای معنایی شکل‌گیری رخداد حرکت خیالی را تشکیل می‌دهند. مسگرخویی (۱۳۹۳) نیز در مطالعه خود حرکت استعاری را در سه ویژگی از حرکت خیالی متمایز می‌سازد. نخستین تمایز آن که در حرکت استعاری، هستاری که برای آن فعل حرکتی به کاررفته، انتزاعی است؛ درحالی که در جمله‌های حرکت خیالی این هستار عینی است. او مثال (۱۹) را به عنوان یک جمله حرکت استعاری با مثال (۲۰) به عنوان یک جمله حرکت خیالی مقایسه می‌نماید:

(۱۹) جلسه رفت تا بعد از ظهر. (مسگرخویی، ۱۳۹۳)

(۲۰) این خیابان به میدان ولیعصر می‌رود. (مسگرخویی، ۱۳۹۳)

در جمله (۱۹) مسگرخویی طول مدت جلسه را به عنوان موجودیتی انتزاعی در نظر می‌گیرد که نوعی حرکت در زمان برای آن رخ داده است و یک استعاره مفهومی جان‌بخشی به صورت «جلسه انسان است» در آن وجود دارد. البته باید گفت جمله (۱۹) علاوه بر تعبیر مدت‌نظر مسگرخویی (به معنی طول کشیدن جلسه) تعبیری دیگر، به معنی موکول شدن جلسه به بعد از ظهر را نیز داراست. مسگرخویی معتقد است برخلاف جمله (۱۹)، جمله (۲۰) یک عبارت حرکت خیالی است؛ زیرا خیابان هستاری عینی است. به نظر می‌رسد نمی‌توان تمایز اول مسگرخویی (۱۳۹۳) را در مورد جملات حرکت استعاری و حرکت خیالی مبنی بر عینی و ذهنی بودن عنصر مود بررسی پذیرفت. برای روشن نمودن مطلب می‌توان از جمله‌های استعاری زیر کمک گرفت:

(۲۱) یکی از اهالی محل از صبح حادثه تعریف می‌کند: «... چند ثانیه قبل از شنیدن صدا احساس کردم ساختمان تکان خورد، فکر کردم زلزله است؛ اما با شنیدن صدای ...». (تارنمای روزنامه دنیای اقتصاد)

(۲۲) در مجموع، بر اثر حرکات زمین اسکلت ساختمان حرکت می‌کند و ... (تارنمای مدیریت شهری، آقای شهردار).

(۲۳) احداث هر سازه‌ای ولو سبک و کم اهمیت بر ماسه بادی ... خطر نشست و ... یا واژگونی و خوابیدن سازه را ... دارد. (تارنمای ویکی‌پدیا)

(۲۴) آیا هیچ شنیده‌اید که استاد بنا بگوید: «من، به عنوان یک بنا، می‌گویم این دیوار شکم داده»؟ (تارنمای شاملو)

چنان که مشاهده می‌شود در این جملات استعاری، برخلاف ادعای مسگرخویی (۱۳۹۳)، برای توصیف هستاری عینی (یعنی ساختمان، اسکلت ساختمان، سازه و دیوار) استعاره به کار رفته است؛ یعنی تلاش شده هستاری عینی، عینی‌تر مفهوم‌پروری شود. براین مبنای نمی‌توان ادعا کرد حرکت استعاری صرفاً برای توصیف هستاری انتزاعی و حرکت خیالی برای توصیف هستاری عینی به کار می‌رود، گرچه در بیشتر موارد این گونه است.

<sup>1</sup> metonymy

<sup>2</sup> image-schema

تمایز دومی که مسگرخویی (۱۳۹۳) میان جمله‌های حرکت استعاری و حرکت خیالی قائل شده، این است که فعل در حرکت استعاری ضرورتاً با قید مکان همراه نیست؛ اما وجود جمله حرکت خیالی بدون قید مکان ممکن به نظر نمی‌رسد. او معتقد است درحالی که جمله (۲۵) پذیرفتنی است، جمله (۲۶) پذیرفتنی نیست؛ زیرا حرکت خیالی بدون قید مکان رمزگذاری شده است:

(۲۵) شاخه دیگر این جاده از کنار گهررود به سمت منطقه دره نگاه و روستاهای تی و امارت می‌رود (وبگاه گرنا).

(۲۶) \* این جاده می‌رود.

داده‌های این پژوهش نشان می‌دهند که این ادعای مسگرخویی (۱۳۹۳) نیز قابل‌پذیرش نیست؛ درواقع، جمله‌های حرکت خیالی لزوماً به چنین محدودیتی حساس نیستند و ضرورتاً نیاز به عبارت مکان‌نما ندارند؛ چنان که در جمله (۲۷) مشاهده می‌شود، گاه جمله حرکت خیالی بدون قید مکان بیان می‌شود:

(۲۷) جاده همچنان می‌رفت. (وبگاه کوهساران)

بهتر است اشاره کنیم که حتی در مورد جمله‌های حرکت استعاری نیز استفاده از قید مکان دراصل به عوامل بافتی بستگی دارد نه محدودیتی ساختی. این مسئله را با مقایسه جمله‌های (۲۸) و (۲۹) می‌توان مشاهده نمود:

(۲۸) همون دم که رفتی دلم رفت (تارنمای هیئت انصارالشهدا).

(۲۹) و دلم رفت تا خودِ خودِ اهواز (وبگاه همه داتنگی‌های من).

تمایز سومی که مسگرخویی (۱۳۹۳) میان جملات حرکت استعاری و حرکت خیالی قائل می‌شود این است که فعل حرکتی در جمله حرکت استعاری، نوعی تغییر حالت ذهنی را بیان می‌کند، درحالی که در مورد حرکت خیالی نوعی تغییر مسیر بازنمایی می‌شود. مسگرخویی با ارائه جمله‌های (۳۰) و (۳۱) این ادعای خود را تأیید می‌کند:

(۳۰) عقل از سرش رفته.

(۳۱) این جاده از رامسر شروع می‌شود و تا لاهیجان می‌رود.

برخلاف ادعای مسگرخویی، به نظر می‌رسد که جملات حرکت خیالی تنها یک مسیر ایستا را توصیف می‌کنند، نه تغییر در آن مسیر را؛ نظر متلاک (۲۰۰۱) نیز مبنی بر این که فعل حرکتی در کاربرد استعاری، بیانگر نوعی تغییر حالت است، اما در حرکت خیالی تغییری وجود ندارد، ادعای مسگرخویی را رد می‌کند.

اگر در این راستا جمله‌های (۲۱) تا (۲۴) را بار دیگر مدنظر قرار دهیم، روشن خواهد شد که تمایز سوم مسگرخویی (۱۳۹۳) را نیز نمی‌توان پذیرفت؛ این جملات به‌عنوان جملات حرکت استعاری، نوعی تغییر وضعیت فیزیکی (و نه تغییر حالت ذهنی) ساختمان، اسکلت ساختمان، سازه و دیوار را بیان می‌کنند. از سوی دیگر، در جمله‌های حرکت خیالی (برای نمونه جمله (۳۰) که مسگرخویی خود به‌عنوان نمونه‌ای از ساخت حرکت خیالی آورده است) نیز لزوماً تغییر مسیر نداریم و اغلب نوعی ادامه مسیر بیان می‌شود.

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فارغ از تمایزهای فوق، می‌توان به دو تمایز مهم میان جمله‌های حرکت خیالی و استعاری قائل شد. نخست آن‌که، جمله‌های حرکت استعاری بازنمود زبانی استعاره‌های مفهومی<sup>۱</sup> هستند؛ استعاره‌ها (ن.ک. کوچش، ۲۰۱۰؛ ریچی، ۲۰۱۳) عناصری دویعدی هستند که دو سطح تحلیل را دربرمی‌گیرند؛ در یک سطح استعاره‌های مفهومی و در سطح دیگر عبارات استعاری وجود دارند که بر مبنای استعاره‌های مفهومی شکل می‌گیرند. برای نمونه استعاره مفهومی حرکت زمان (زمان هستار در حال حرکت است) وجود دارد که مبنای شکل‌گیری عبارات استعاری متعددی در زبان فارسی است. برخی از این جملات، با فعل حرکتی عبارت‌اند از:

(۳۲) ... بعد از آنکه آخرین روز عمرش به سر رسید... (تارنمای اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه)

(۳۳) من هم مثل بقیه می‌گویم وای تعطیلات چه زود گذشت ... (وبگاه مکث آخر)

(۳۴) ... قرارمان رفت تا ۳۶۵ روز دیگر. (وبگاه آن سال‌های دوست‌داشتنی)

براین اساس، یک استعاره مفهومی زیربنای چندین عبارت استعاری است. این درحالی است که در جمله‌های حرکت خیالی چنین تمایز دوسطحی یک به چندی وجود ندارد. به عبارت دیگر، در جمله‌های حرکت خیالی، بین یک بازنمود زبانی و یک بازنمود مفهومی، تناظری یک به یک وجود دارد و مانند استعاره‌ها، یک بازنمود مفهومی مبنای شکل‌گیری تعدادی بازنمود زبانی قرار نمی‌گیرد.

تمایز دیگر بین این دو ساخت (حرکت استعاری و حرکت خیالی) آن است که درحالی که جمله‌های حرکت استعاری، تنها یکی از بازنمودهای یک استعاره مفهومی زیربنایی هستند، جمله‌های حرکت خیالی منحصربه‌فردند و ماهیت منحصربه‌فرد بودن را بافت موقعیتی و عناصر ساخت، به‌ویژه گذرنده تعیین می‌کند. براین اساس است که جاده در جمله (۳۵) می‌تواند گذرنده واقع شود، اما رودخانه به‌عنوان گذرنده پذیرفتنی نیست:

(۳۵) الف... و جاده تا بالای کوه می‌رود (تارنمای گوشه).

ب. \* رودخانه تا بالای کوه می‌رود.

در نتیجه، به‌نظرمی‌رسد علاوه بر تمایز مطرح‌شده از سوی متلاک (۲۰۰۱)، دو تمایز دیگر میان جمله‌های حرکت خیالی و حرکت استعاری وجود دارد. اکنون که مشخص شد ساخت حرکت خیالی چه تفاوتی با ساخت حرکت استعاری دارد، در بخش بعد تلاش می‌شود ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی در زبان فارسی بررسی و توصیف گردد.

## ۲-۵. ویژگی‌ها و محدودیت‌های حرکت خیالی در زبان فارسی

همان‌گونه که افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) تأکید نموده‌اند، بازنمود زبانی حرکت خیالی تا حدزیادی تابع ساخت و قراردادهای زبان است. به‌نظرمی‌رسد ساخت جمله‌های حرکت خیالی در زبان فارسی نیز متأثر از تعدادی ویژگی و محدودیت است، در این بخش تلاش می‌شود این ویژگی‌ها و محدودیت‌ها بررسی گردد.

### ۱-۲-۵. عدم محدودیت جهت

نخستین ویژگی جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی آن است که در ساخت این جمله‌ها محدودیتی در استفاده از جهات مختلف وجود ندارد. به بیان دیگر، علی‌رغم آن‌که، در قالب مطالعات فقط به حرکت خیالی هستارها روبه‌جلو اشاره شده است، به‌نظرمی‌رسد درست مانند جمله‌های حرکت واقعی، جمله‌های حرکت خیالی نیز می‌توانند حرکت را در همه

<sup>۱</sup> conceptual metaphor

جهات (بالا، پایین، عقب، جلو) توصیف کنند. برای نمونه در جمله‌های زیر به ترتیب شاهد حرکت خیالی هستار در جهت‌های روبه‌بالا (جمله‌های ۳۶ و ۳۷)، روبه‌پایین (جمله‌های ۳۸ و ۳۹)، روبه‌عقب (جمله ۴۰) و روبه‌جلو (جمله ۴۱ و ۴۲) هستیم:

- (۳۶) دیوارها که تا ده‌ها متر از دوسو بالا رفته بودند ... (تارنمای گود ریدز)  
 (۳۷) در مسیر فومن ... سمت چپ راهی بود که توی مه از لابلائی درخت‌ها پیچ می‌خورد و بالا می‌رفت. (تارنمای خیشخانه)  
 (۳۸) مسیر غار تا انتها به صورت مایل با شیب تند به سمت پایین می‌رود. (تارنمای صداوسیما استان مرکزی)  
 (۳۹) طبقه اول چهار پله به پایین می‌رود و پنجره‌های روبه حیاط ... (تارنمای گوگل بوک)  
 (۴۰) دیوار این مدرسه ... در حدود ۲ متر عقب‌نشینی کرد. (تارنمای دهستان تویه دروار)  
 (۴۱) ردیف آسمان‌خراش‌های فولادی رنگ ... از کنار خیابان‌ها جلو می‌رفتند. (گوگل بوک)  
 (۴۲) رودخانه ای با آب زردرنگ گوگردی که پایه پای جاده پیش می‌رود. (تارنمای روزنامه شرق)

### ۲-۲-۵. امکان ترکیب حرکت‌های خیالی

ویژگی دیگر ساخت‌های حرکت خیالی در زبان فارسی آن است که ممکن است حتی چند حرکت خیالی پشت سرهم، در جهات مختلف، فقط یک صحنه ایستا را توصیف کنند؛ مثلاً برای توصیف یک مسیر کوهنوردی ممکن است جمله زیر بیان شود:

- (۴۳) طول هفت از کنار کارگاه، از شکافی که دارای رول می‌باشد، بالا رفته و سپس کمی به سمت چپ صعود کرده و در بالای آن کمی جلو رفته که ... (تارنمای کوهنوردان جوان)  
 در این جمله نخست یک جمله حرکت خیالی با جهت پایین-بالا مسیر را توصیف نموده و سپس حرکت به سمت چپ و روبه‌جلوی آن بیان شده است؛ یعنی برای توصیف وضعیت ایستای یک مسیر واحد، به ترتیب یک حرکت خیالی در جهت پایین-بالا، یک حرکت به سمت چپ و یک حرکت روبه‌جلو به کار رفته است.

### ۳-۲-۵. شمار گذرنده

متلاک (۲۰۰۴الف: ۲۲۷) ادعا می‌کند که معمولاً گذرنده در ساخت حرکت خیالی، ذاتاً یک هستار خطی مثل جاده، سیم، لوله و غیره است. لذا، وقتی گذرنده ذاتاً بلند نیست (دارای طول نیست)، باید هستاری باشد که بالقوه بتواند به لحاظ مفهومی و فضایی گسترش یابد. متناظر با این ادعای متلاک به نظر می‌رسد که شمار هستار (مفرد یا جمع) نیز عاملی تعیین‌کننده در ساخت حرکت خیالی است. به بیان دیگر، برخی هستارها مانند بلوک یا کتاب، وقتی شمار جمع دارند، می‌توانند با یک جمله حرکت خیالی توصیف شوند؛ اما در حالت مفرد چنین قابلیت‌هایی ندارند. جمله‌های (۴۴) الف و ۴۴.ب) را مقایسه نمایید:

- (۴۴) الف. \*هنگامی که بلوک به سقف رسید.

ب. هنگامی که بلوک‌ها به سقف رسیدند. (تارنمای نوین فان)

با مقایسه جمله (۴۴.الف) و (۴۴.ب) به نظر می‌رسد که بلوک در حالت مفرد نمی‌تواند یک مسیر را بسازد و لذا نمی‌توان آن را با جمله حرکت خیالی توصیف نمود؛ اما قرار گرفتن بلوک‌ها در کنار هم امتدادی افقی یا عمودی را شکل می‌دهد.

### ۴-۲-۵. جهت حرکت گذرنده

ویژگی مهم دیگر جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی، جهت گذرنده است. به بیان روشن، ما نمی‌توانیم برخی هستارها را در هر جهتی توصیف کنیم. جمله‌های زیر را مقایسه نمایید:

(۴۵) الف. ... درخت تا یک‌متر و نیم صاف بالا آمده بود. (وبگاه انجیر)

ب. ... آن‌جا که درختان تا آسمان بالا رفته بودند. (تارنمای نشریات نبات)

(۴۶) الف. \*درخت برگ سوزنی تیره .. و به منطقه کوهستانی و شمال پیشروی می‌کند.

ب. درختان برگ سوزنی تیره ... و به منطقه کوهستانی و شمال پیشروی می‌کنند. (تارنمای اسپونیک فارسی)

(۴۷) الف. تیر سیمانی چراغ برق از لابه‌لای خانه‌ها بالا رفته است.

ب. تیرهای سیمانی چراغ برق از لابه‌لای خانه‌ها بالا رفته‌اند. (تارنمای خبرگذاری ایرنا)

(۴۸) الف. \*تیرچراغ برق ... که تا قله پیش رفته‌است.

ب. تیرهای چراغ برق ... که تا قله پیش رفته‌اند. (وبگاه آریوبرزن شیراز)

چنان‌که نمونه‌های بالا نشان می‌دهند علاوه‌برشمار، جهت حرکت نیز اهمیت دارد. وقتی درخت و تیرچراغ برق مفرد هستند، تنها می‌توانند حرکت خیالی عمودی (روبه بالا) داشته باشند نه حرکت افقی؛ زیرا تنها در حالت عمودی تشکیل نوعی مسیر می‌دهند. درمقابل، وقتی این عناصر جمع هستند، حرکت خیالی آنها می‌تواند عمودی یا حتی افقی باشد؛ زیرا در حالت جمع، این عناصر می‌توانند در کنارهم مسیری افقی را تشکیل دهند و این تشکیل مسیر، امکان درنظرگرفتن حرکت خیالی را برای آنها ایجاد می‌نماید. درواقع، وقتی بلوک مفرد است (جمله ۴۴. الف)، نه می‌تواند حرکت خیالی عمودی داشته باشد، نه حرکت خیالی افقی؛ اما از آنجایی که درخت رشد می‌کند و بالا می‌رود، حرکت خیالی عمودی (پایین-بالا) برای آن امکان‌پذیر است، حتی در حالت مفرد (جمله ۴۵. الف). علاوه‌برآن، بلوک وقتی جمع است، به‌نظر می‌رسد فقط می‌تواند حرکت خیالی عمودی (پایین-بالا) داشته باشد (جمله ۴۴. ب)، درحالی‌که درخت در حالت جمع می‌تواند با جمله حرکت خیالی افقی یا عمودی توصیف شود (جمله‌های ۴۵. ب و ۴۶. ب). درهمین راستا، جمله‌های (۴۹) و (۵۰) نیز قابل بررسی‌اند:

(۴۹) \*چاه تا انتهای باغ رفته بود.

(۵۰) میدان ولیعصر ۱۳ متر به زیر زمین می‌رود. (تارنمای مشرق نیوز)

چاه و میدان هر دو هستارهایی هستند که نوعی مسیر را بیان نمی‌کنند؛ براین اساس، نمی‌توان برای آنها حرکتی خیالی روبه‌جلو را متصور شد؛ چنان‌که جمله (۴۹) پذیرفتنی به‌نظر نمی‌رسد. اما در جمله (۵۰) به‌عنوان جمله‌ای پذیرفتنی، شاهد نوعی حرکت خیالی روبه‌پایین برای میدان هستیم. بنابراین، جهت حرکت نیز در ساخت جمله‌های حرکت خیالی تعیین‌کننده است.

۵-۲-۵. کنشگر بودن گذرنده

ویژگی دیگر جمله‌های حرکت خیالی این است که گذرنده بایستی «کنشگر»<sup>۱</sup> باشد؛ به بیان روشن، ساخت به گونه‌ای است که گذرنده در حالتی فرضی، فاعل فعل حرکتی، یعنی کنشگر و عامل حرکت در نظر گرفته می‌شود. چنان که مقایسه جمله (۵۱) تا (۵۴) این مسئله را نشان می‌دهد:

- (۵۱) اتوبان تهران تبریز تا نزدیکی روستای رجین به موازات جاده قدیم از شرق به غرب کشیده شده است. (وبگاه آچاچی)  
 (۵۲) امیدواریم در سریع‌ترین زمان ممکن خط مترو را تا میدان ساعت برسانیم. (تارنمای همشهری استانی)  
 (۵۳) درجایی که امروزه یخچال‌های بزرگی مانند بیردمور و اسکات خود را تا دریا پیش رانده‌اند ... (وبگاه گراهام هانکوک)  
 (۵۴) خط ۷ مترو تا محدوده برج میلاد پیش رفته است. (تارنمای خبرگزاری برنا)

در جمله‌های (۵۱) و (۵۲) گذرنده (به ترتیب اتوبان تهران- تبریز و خط مترو) کنشگر نیستند، بنابراین، این جمله‌ها علی‌رغم وجود فعل حرکتی جمله‌های حرکت خیالی محسوب نمی‌شوند. به عبارتی، در این جمله‌ها کنشگری وجود دارد که عملی را بر روی اتوبان و خط مترو انجام داده است، اما در جمله‌های (۵۳) و (۵۴) به ترتیب یخچال‌ها و خط ۷ مترو کنشگر و فاعل فعل حرکتی هستند و همزمان حرکتی خیالی را بازنمایی می‌کنند. براین اساس، کنشگر بودن گذرنده فعل حرکتی نیز تعیین‌کننده است.

#### ۵-۲-۶. امکان کاربرد عبارت‌های بیانگر طول زمان و مسافت

افراشی و رحمانی (۱۳۹۳) با اشاره به جمله‌های (۵۵) و (۵۶) اشاره می‌کنند که جمله‌های حرکت خیالی انگلیسی ممکن است با عبارت‌های زمانی یا مکانی همراه شوند:

(۵۵) The road runs along the coast for 2 hours.

(۵۶) The path goes upstream for two miles.

آنها ادعا می‌کنند در ساختار جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی ظاهراً این عناصر، نقشی ندارد. این ادعا قابل تردید است؛ زیرا در پژوهش حاضر جمله‌های (۵۷) و (۵۸) که با عبارت‌های بیانگر مسافت و طول زمان همراهند، از جستجوگر گوگل بدست آمدند:

(۵۷) زاینده‌رود ... در کویر مرکزی ایران به سمت شرق ۲۰۰ کیلومتر پیش می‌رود. (تارنمای خبرگزاری ایرنا)

(۵۸) بعد از روستا جاده‌ای فرعی و خاکی وجود دارد که بعد از دو ساعت راهپیمایی به آبشارها می‌رسد. (تارنمای کویرها و بیابان‌های ایران)

بنابراین، می‌توان گفت یکی دیگر از ویژگی‌های ساخت حرکت خیالی در زبان فارسی، امکان همراهی این جملات با عبارت‌های بیانگر طول زمان و مسافت است.

#### ۶-۲-۷. عدم محدودیت طول عمودی یا افقی گذرنده

برخلاف ادعای مسگرخویی (۱۳۹۳)، مبنی بر این که در زبان فارسی جمله‌های حرکت خیالی بیشتر با گذرنده‌های دارای طول افقی امکان‌پذیرند، به نظر می‌رسد در زبان فارسی حرکت خیالی می‌تواند بدون هرگونه محدودیتی هم برای گذرنده‌های دارای طول افقی و هم برای گذرنده‌های دارای طول عمودی به کار رود. جمله‌های (۳۶)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۵) و (۴۷) نمونه‌هایی از جمله‌های حرکت خیالی برای هستارهای با طول عمودی (دیوار، درخت، آسمان‌خراش و

<sup>۱</sup> agent

غیره) هستند. بنابراین، رد ادعای مسگرخویی خود دلیلی است مبنی بر این که تمرکز صرف بر آثار نوشتاری و داده‌های محدود در مطالعات زبان‌شناختی، برخی ابعاد مسئله مورد بررسی را پنهان می‌سازد.

### ۶-۲-۸. نمود و زمان دستوری جمله

متلاک (۲۰۰۶) با اشاره به جمله‌های (۵۹) و (۶۰) ادعا می‌کند جمله‌های حرکت خیالی اغلب در زمان حال ساده ظاهر می‌شوند و نه استمراری:

(۵۹) The road goes along the coast.

(۶۰) ??The road is running along the coast.

این درحالی است که به‌نظر می‌رسد در زبان فارسی چنین محدودیتی کمتر قابل مشاهده است؛ جمله‌های زیر این ادعا را تأیید می‌نمایند:

(۶۱) الف. جاده کلات نادر به درگز ... از میدان اصلی روستا می‌گذرد. (وبگاه کلات نادر)

ب. جاده کلات نادر به درگز ... از میدان اصلی روستا می‌گذشت.

ج. جاده کلات نادر به درگز ... از میدان اصلی روستا گذشته است.

د. جاده کلات نادر به درگز ... از میدان اصلی روستا گذشته بود.

ه. جاده کلات نادر به درگز ... از میدان اصلی روستا گذشته بود.

متلاک همچنین اشاره می‌کند که جدای از مواردی که جمله متأثر از بافت، نیاز به نمود استمراری دارد، در غالب موارد جمله‌های حرکت خیالی موقعیتی موجود<sup>۱</sup> را با تغییر حالتی ضمنی بیان می‌کنند، لذا نیاز نیست که با تحمیل نمود استمراری این موجود بودن را تشدید نمود. این تأکید متلاک بر مستثنی نمودن کاربرد نمود استمراری برای حرکت خیالی در موارد خاص را، در زبان فارسی نیز می‌توان مشاهده نمود و حتی به کارگیری مضارع مستمر که نمود استمراری در آن برجسته‌تر از حال استمراری است، مجاز است. برای نمونه در بافتی موقعیتی که جاده‌ای برای روستا در حال احداث است، ممکن است جمله (۶۲) با زمان دستوری مضارع مستمر، برای توصیف جاده به کار رود:

(۶۲) جاده کلات نادر به درگز ... دارد از میدان اصلی روستا می‌گذرد.

### ۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاشی بود در جهت توصیف جمله‌های حرکت خیالی زبان فارسی و تعیین برخی ویژگی‌ها و محدودیت‌های مؤثر در ساخت جمله‌های حرکت خیالی فارسی. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اولاً تمایزهایی که مسگرخویی (۱۳۹۳) میان حرکت استعاری و حرکت خیالی قائل شده است، قابل پذیرش نیستند؛ اما، علاوه بر تفاوتی که متلاک (۲۰۰۱) طرح می‌کند، دو تفاوت مهم دیگر میان جمله‌های حرکت استعاری و خیالی وجود دارد. یکی آن که، جمله‌های حرکت استعاری بازنمود زبانی استعاره‌های مفهومی هستند؛ یعنی یک استعاره مفهومی وجود دارد که مبنای شکل‌گیری تعدادی عبارت استعاری در زبان است. اما در جمله‌های حرکت خیالی بین بازنمود زبانی و بازنمود مفهومی یک تناظر یک به یک وجود دارد. تمایز دیگر این که، هر چند جمله‌های حرکت استعاری تنها یکی از بازنمودهای یک استعاره مفهومی زیربنایی هستند، جمله‌های حرکت خیالی منحصر به فردند. بررسی ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساخت حرکت خیالی در زبان فارسی نشان داد، ساخت حرکت خیالی، حداقل در زبان فارسی متأثر از برخی عوامل است؛ اول

<sup>۱</sup> on-going situation

آن‌که، در ساخت این جمله‌ها محدودیتی در استفاده از جهات مختلف وجود ندارد. ویژگی دیگر این‌که، ممکن است حتی چند حرکت خیالی پشت سرهم، در جهات مختلف، فقط یک صحنه ایستا را توصیف کنند. همچنین، مشخص شد که شمار، جهت حرکت گذرنده و «کنشگر» بودن آن از عوامل تعیین‌کننده ساخت جمله‌های حرکت خیالی هستند. به‌علاوه روشن شد که برخلاف ادعای مسگرخویی (۱۳۹۳)، مبنی‌براین‌که در زبان فارسی جمله‌های حرکت خیالی بیشتر با گذرنده‌های دارای طول افقی امکان‌پذیر است، در زبان فارسی چنین محدودیتی قابل‌مشاهده نیست. افزون‌برآن مشخص شد در ساخت حرکت خیالی زبان فارسی، همچون زبان انگلیسی، امکان کاربرد عبارت‌های دال‌بر مسافت و طول زمان وجود دارد. همچنین، محدودیتی که در ساخت جمله‌های حرکت خیالی انگلیسی در رابطه با زمان‌دستوری و نمود وجود دارد (ن.ک. متلاک، ۲۰۰۶)، در زبان فارسی دیده نمی‌شود.

### کتابنامه

- افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). *رویکردی شناختی به بازنمود حرکت در زبان فارسی* (مجموعه مقالات). تهران: نشر نویسه پارسی.
- افراشی، آریتا و رحمانی، آسیه. (۱۳۹۳). حرکت فرضی در زبان فارسی: رویکردی شناختی به مسیرهای گسترشی. *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال دوم، شماره ۶، ۱-۲۵.
- مسگرخویی، مریم. (۱۳۹۳). حرکت پنداری در زبان فارسی: رویکردی شناختی. *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۱۰، شماره ۱۹، ۲۳-۳۵.
- مندنی‌پور، شهریار. (۱۳۷۵). *دل‌دادگی*. تهران: انتشارات زیراب.
- Barsalou, L. W. (1999). Perceptual symbol systems. *Behavioral & Brain Sciences*, 22, 577-66.
- Barsalou, L. W. (2009). Simulation, situated conceptualization, and perception. *Phil. Trans. R. Soc. B*, 364, 1281-1289.
- Evans, V. (2010). The perceptual basis of spatial representation. In V. Evans & P. Chilton (Eds.) *Language, Cognition and Space* 21-48. London & Oakville: Equinox.
- Jimenez Martinez-Losa, N. (2007). Towards a typology of fictive motion: Review of existing proposals and presentation of new perspectives. *Interlinguistica* 17, 562-569.
- Kövecses, Z. (2010). 2<sup>nd</sup> edition, *Metaphor: A Practical Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Langacker, R. W. (1986). Abstract motion. In V. Nikiforidou, M. VanClay, M. Niepokuj & D. Feder (Eds.), *Proceedings of the twelfth annual meeting of the Berkeley Linguistics Society* 455-471. Berkley: University of California.
- Langacker, R.W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar. Vol. I: Theoretical Prerequisites*. Stanford: Stanford University Press.
- Langacker, R. W. (1999). Virtual reality. *Studies in the Linguistic Sciences* 29(2), 77-103.
- Ma, S. (2016). Fictive motion in Chinese. Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy in Psychology, New Zealand: University of Auckland.
- Matlock, T. (2001). How real is fictive motion?. Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy in Psychology, University of California Santa Cruz.



- Matlock, T. (2004a). *The conceptual motivation of fictive motion*. In G. Radden & K. Panther (Eds.), *Studies in linguistic motivation* [Cognitive Linguistics Research], (pp. 221-248). New York and Berlin: Mouton de Gruyter.
- Matlock, T. (2004b). Fictive motion as cognitive simulation. *Memory & Cognition* 32(8): 1389-1400.
- Matlock, T. (2006). Depicting fictive motion in drawings. In J. Luchjenbroers (Ed.), *Cognitive linguistics investigations: Across languages, fields and philosophical boundaries* (pp. 67-86). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Matlock, T. (2010). Abstract motion is no longer abstract. *Language and Cognition* 2-2, 243-260.
- Matlock, T. & Richardson, D. C. (2004). Do eye movements go with fictive motion?. *Proceedings of the 26th Annual Conference of the Cognitive Science Society*, (pp. 909-914). Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Matlock, T.; Ramscar, M. & Boroditsky, L. (2005). On the experiential link between spatial and temporal language. *Cognitive Science* 29: 655-664.
- Matsumoto, Y. (1996). How abstract is subjective motion? A comparison of access path expressions and coverage path expressions. In A. Goldberg (Ed.), *Conceptual structure, discourse and language* (pp. 359-373). Stanford: CSLI Publications.
- Richardson, D. C. & Matlock, T. (2007). The integration of figurative language and static depictions: An eye movement study of fictive motion. *Cognition*, 102, 129-138.
- Ritchie, L. D. (2013). *Metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rojo, A. & Valenzuela, J. (2003). Fictive Motion in English and Spanish. *International Journal of English Studies (IJES)*, 3(2), 123-149.
- Rojo, A. & Valenzuela, J. (2009). Fictive Motion in Spanish: travelable, non-travelable and path-related manner information. In J. Valenzuela, A. Rojo & C. Soriano (Eds), *Trends in cognitive linguistics: theoretical and applied models* (pp. 246-260), Frankfurt: Peter Lang.
- Stosic, D., & Sarda, L. (2009). The many ways to be located: The expression of fictive motion in French and Serbian. In M. B. Vukanović, & L. G. Grmuša (Eds.), *Space and time in language and literature* (pp 39-60). Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.
- Takahashi, K. (2005). Construal of fictive motion categories: A contrastive study between English and Thai. *Journal of Hokkaido Linguistics*, vol. 4, 1-23.
- Talmy, L. (1983). How language structures space. In L. Herbert, Jr. Pick & P. Linda (Eds.), *Spatial orientation: Theory, research, and application*, (pp 225-282). New York: Plenum Press.
- Talmy, L. (1996). Fictive motion in language and "caption". In P. Bloom, M. Peterson, L. Nadel & M. Garrett (Eds.), *Language and space*, Cambridge, Mass.: MIT Press.
- Talmy, Leonard (2000). *Toward a cognitive semantics. Vol. I: Concept Structuring Systems*. Cambridge: The MIT Press.
- Taremaa, P. (2013). Fictive and actual motion in Estonian: Encoding space. *Journal of Linguistic*, 26, 151-183.
- Tsai, P. W-L. & Hsieh, Sh. Ch-Y. (2013). Fictive motion in Chinese and English Ttourist guidebooks. *Canadian Social Science*. 9 (2), 1-6.  
<http://pldb.ihcs.ac.ir/>

